

۱۲

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
کرمزاد ۹۲۵

۲۶۱



۹۲۵
۲۱۱۳۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	کتابت عبید زکافی
مؤلف	
موضوع	
شماره انحصاری	۹۲۵
شماره ثبت کتاب	۲۱۱۳۹
مجلس شورای اسلامی	

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب کلیات عبدزرکافنی

مؤلف

موضوع

شماره اختصاصی (۹۲۵) از کتب اهدائی : کتابخانه



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۱۱۳۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



۹۲۵
۲۱۱۳۹

۲۶۱



و گوید که سنان ساری که از سرین مولانا عسید بود و در اندیشه این قطعه در جوی خست
 (قطعه) جهنمی بجای عسید امانا ستر است به بدلتی و بدینی اگر چه است
 از قریب و در دست زاده است و یک میوه اندر حدیث قرآنی
 نکته در این قطعه آنکه غرضی ایران قزوینی و اعلی گویند چنانکه غرض بیان این
 و طریب زانما و بکار ایشان را و در این زمین را مشتهی یعنی را غرض خوانند
 و این نسبت از عسید طریب به مولانا عسید این قطعه را بشیند در دم ستر کند و پیش
 کرت چون ببالا و بکده سنان را بدیده به و گوید که در کنار و جده سگول غرض و
 عشرت و صف حبت ارباب پیش و نصیحت در رفت بقترب و با غرض
 دی گوید سنان در وصف و جبه این مصرع ساخته بود (مصرع)
 به جبه را سنان قری عسید است و از سرین اتمیم این مصرع
 مولانا عسید به بیگفت (مصرع) بی در بخت و کف باب کرد و است
 سنان را غرض اندر بید که در کجای نه گفت از قزوینی پس در بختی مصباح
 سنان از روی پرسید که سنان در قزوین معروف و از بختی ریش جهنمی
 مشهور است به مولانا عسید گفت قطعه از این را در ستر است و این بخوان
 (قطعه) من حرا بتم به ده است در غرض است معنی عسید است
 ستر کند به ستر دوش بر دوش به خرم چه قدح دست به
 بقا و گفت اگر چه سنان مردی فاضل است و تران این قطعه را بر لب و
 اعلی غلب من است که این قطعه از زن او به سنان از لطف خردی
 در وقت که عسید است مقدمش را غنی ستر و غرض بهی وی بگوید
 و تا در بعد او را از هیچ خدمتی را به او که ای غرض مولانا عسید به بیگفت
 که ای سنان بختی بهی که که از دود به غرض از اقامه غرضی و از سرین نام رسی

چنین گوید معنی دیدنده و آن (مستفاد) که به ده بخوله در مکتب فرزند خوله
 در خارج به عسید است شرقیه بخضر من زبان پرسی بر چشم و از آن شر قیان سیم نظم
 و ستر فارسی به ستر است و تقطع غرض و اعلی ستره ادای زبان پرسی را به سترین
 و ممکن به غرض خاصه در این که اگر چه معنی و مصرف این است به استی چند ان معنی
 و مصرف این در زودی من که زبان فرانسویست دارد و اما به صد و ده در عا و در حال
 است به زود و در دم اند که غرضی از آن مشهور فارسی را به ستر ستر ترجمه نام نام از
 من با و از ده و ده طالبین زبان فارسی را از ممکن و سید استفاده و استفاده کرد
 پس از تقطع و ستر ستر دیدم که از باب غیرت و ستر فرشتان از سرین و ستر
 به لطف و نصیحت فارسی کجا پیش ترجمه بر چشم اند و معنی خوله نهشته اند به غرض
 لطف و غرض لطف ان خاصه از آن که جامع لغات و سترای حاصل است
 چند ی در این اندیشه بودم که تقصیری معنی و مشهور از این دست ترجمه را به
 نام از لطف کلیت مولانا عسید امانا به ستر اف و دیدم عجب بختی به
 و مقصود در این است که لطف از آنجا دیدم بر کردیم و ستر غرض
 اتهام نمودم با چون در بختی شرقان اکثر باب لفظ ستر است شده و از
 به جانب معنی ترجمه داده اند و لطف ترکیب الفاظ را چون ادای معنی مقدم
 داشته اند و اصداری دیده و داشته لفظ از بختی ان الکامی به ستر ستر و ستر ادای از
 ان برده و لفظ از این باب اند که بختی به بختی و لفظ در عبارت
 اصد از این حرف عا به مطلع ستر که فایده ان عام کرد و در ستر ستر اصد
 به لطف ان و ستر ستر نه و در ضمن روح مولانا عسید را ستر از خود ستر ستر
 پس از ان از روی ستر ستر صاحب ستر بعد از طی ستر ستر ستر ستر
 نسخه اصد که ستر ستر ستر و موافق مزاج است از آن از

از پرده ادب خارج و بزمه دلگشایی و اصیرج در یک یک نیم در درجه ای گفوری نهیم
 زبان فربانی ترجمه نمودیم تا چنانچه پیش از این ذکر شده و کاری مانده و رسید به استفاده
 و غنای کرد

امید از نظر ان و مصلحت کند که ان که زلفت من بنده را پیروده و شماره و در ان
 کزینش و انجا و معدوم در اند که غرض از نشر این اثر و ترجمه ان و زدی ان است
 که به نظر چنان میرسد و با طمع متضمن خطری میاید مقصود یکی خدمت بی پایان از ان
 فارسی و ابقا و لطائف آثار مولانا محمد است و حیثیت حسن و قبح
 و عفت و وینیت او خود داده و صدای خود (و العبد العیض) اکزن صم
 سخن از زبان خود و از زبان مولانا عبید بن میت میگویم (میت)
 بهر جهت که غنای این گفتار
 بهر آنکه بگذرد و بعد از او بر دار

مختار لطیف عبد الرمان رساله اخلاق الشریف

سکه محصور و محروم حضرت و حبیب البرجود و اجابت قهرمان که از غنای اسرار و جود
 ان بن سخت با سیرت ان در کتب اخلاق حمیه و ادب فیه عیادت
 جهه بدل گردانید و مصورات به معدود و در رفته منزل مسطر سید کانیات محمد مصطفی
 علیه که انجا است به که کورت و منور خلقش لطیف از (لولاک خلقت الانس و الاک) و طر اسر
 (انک بعد خلق عظیم) سطر از سر نه گشت و سده و کای بر لولا و الوفاء و کوه
 (یا یم اقمه تم ایتیم) (بعد و الک) بر روی ان کمال که روی خورشید ان
 بر کشیده فانی که برین هر فردی که از ان است و بر سر شریف که از ان است خواننده از
 عالم اسر (قدر روح من اسر) موهبت و بر روی خورشید حقیقت اسر عبارت
 از ان بر هر است و او پیراسته بذات خود و قائم است و از حق محروم و مصون و سعه
 تر آن کمال چنانکه بن از شهرات و لذات محروم و محظوظ میگرد و در روی در عالم
 سفی دارد روح نیز از معرفت حضرت عزت که عیادت همه عیادت (عزت بن)
 دارد که حقایق و انصاف خیر است بهر بند میگرد و در روی در عالم قدس دارد و خیر
 بن بر اطمینان اراضی از انصاف است خود فرو میماند روح خیر کیفیت و با همی دارد که چون
 برض از اراضی که بهر گفوری است از حب و دگر دگر است به شهرات و انصاف
 بعد از ان عالم کف میگرد و از انصاف است فرد میماند که ان است هر حضرت و ابدا
 و در ان موهبت و انصاف خیر است بهر است و در ان معنی گفته بهر (میت)
 را از دگرستی بر آورده اند به چندین سبب میسر بر آورده اند تخمین کفر است
 تو خورشید را بیانی مدار و چنانکه اطمینان بر ذات اراضی من حفظ
 صحت ان مصروف گردانیده اند بهر سبب تا نظر محبت بر روح افادت و انصاف

[illegible][illegible]

20

[illegible]

Ursi

[illegible]

(استخوان) کلی در این
 آجیغینه در نقد حق
 وقت آن سه که غم ما کنیم
 رسم که در بکار کنیم
 خانه در کوچه من کیم
 روی در قبه تیر کیم
 روزگار را بکیم
 کمر که در کار کیم
 بهر گون تا به حیدر حیدر
 بهر کس حیدر کیم
 کس در کون چون پستی است
 جوق بهر که حیدر کیم
 بنشین اینز تا جوان
 به این در جهان حیدر کیم
 جوق هر که جوق خوش
 جوق در این جوق
 از آب که در جوق
 فتنه میفرستد جوق
 سر که در جوق
 فتنه شادان جوق

درین کمالی که درین است
 کبریا چون مهر افروز است
 پیر خدایان است چون
 پناه دهنی برای دفع شر
 کبریا در کون کجده بود
 جان به کده و به است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 کمالی که درین است
 کده و به کده و به است
 خوش بجزایل دهنه زندگانه
 پیش از دوزخ و به است
 بعد از آن که کس در آن است
 در غم آن که کس در آن است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است

درین کمالی که درین است
 کبریا چون مهر افروز است
 پیر خدایان است چون
 پناه دهنی برای دفع شر
 کبریا در کون کجده بود
 جان به کده و به است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 کمالی که درین است
 کده و به کده و به است
 خوش بجزایل دهنه زندگانه
 پیش از دوزخ و به است
 بعد از آن که کس در آن است
 در غم آن که کس در آن است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است

درین کمالی که درین است
 کبریا چون مهر افروز است
 پیر خدایان است چون
 پناه دهنی برای دفع شر
 کبریا در کون کجده بود
 جان به کده و به است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است

درین کمالی که درین است
 کبریا چون مهر افروز است
 پیر خدایان است چون
 پناه دهنی برای دفع شر
 کبریا در کون کجده بود
 جان به کده و به است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 کمالی که درین است
 کده و به کده و به است
 خوش بجزایل دهنه زندگانه
 پیش از دوزخ و به است
 بعد از آن که کس در آن است
 در غم آن که کس در آن است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است

خوش بجزایل دهنه زندگانه
 ای سیم خدایان که
 دوزخ و به کده و به است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 کمالی که درین است
 کده و به کده و به است
 خوش بجزایل دهنه زندگانه
 پیش از دوزخ و به است
 بعد از آن که کس در آن است
 در غم آن که کس در آن است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است
 جنت میرین که جنت است
 جنت دوزخ و جنت است

[illegible]

کزی و مشرق بنده مسیحا در این عالم گستر گشته
لاکای تو به روزگار
تیز در پیش گوین در گشته
زنان چون کبریا زده و بسته
چو گرد از او کس بپشت
کعبه به مشکوبش بپایه
در کشتن کبریا در کشت
کاست بهر دو که بر او گشته
کشتن در جبهه کشت بر او چشم
زده جبهه که به نظر میگذرد
یکدیگر در جبهه
چون برای کس توی بود
چو کس چون آمد بهین پس
این کس کبریا در کس
در خدا و خدا که بگوشت دارد
تا که به خیر و در میان دین
که در کار خیر است بپایه
خود کس گشته به کبریا
سر در زبانه که بر او کس
سر در زبانه که بر او کس
کس کبریا که به کبریا
کرن به کبریا که به کبریا
در دین و دین که به کبریا
چون در دین که به کبریا
خواب خورده از او در دین
دین که به کبریا که به کبریا
(سخن خیر آن سرگشته)

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]







